

ویژه سیزدهم رمضان الکریم
دوشنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

روز شمار مهمانے ماه خوب خدا

روز نهم آبرو کبریا

روز ششم

روز شمار مهمانے ماه خوب خدا



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی
سازمان جهاد دانشگاهی خواجه نصیرالدین طوسی



بازتاب رویداد های معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



معاونت فرهنگی

ماهی

روزشمار مهمان ماه خوب خدا



صاحب امتیاز: اداره کل راهبری امور فرهنگی جهاد دانشگاهی
مدیر مسئول: عادل تقوی
سردبیر: پویا پایداری
طراح گرافیک: سید علی اکبر عبداللهی
خطاط: استاد سید محمد جاویدان
توصیه های اخلاقی: آیت الله محسن غروی
تفسیر قرآن: پویا پایداری
مروری بر نهج البلاغه: فرزانه بزرگیان
برداشت فلسفی: حمید امیدی
انتخاب اشعار: احمد راهداری
سفر آیینی: رحیم یعقوب زاده، زینب یوسفی، صدرا عمویی
میزان فرمان انسان در روزها: فرزین پور محبی
انجام مصاحبه ها: پوریا جوادی
گردآوری دیدگاه های مخاطبان: ارشیا عبدی
داستان کوتاه: حسین رهاد
معرفی کتاب: بهاره راد
انتخاب موسیقی: سمانه عنبری

تیم فنی و پشتیبانی فضای مجازی: امیرحسین اسدی، محمد رضارحمانی

و پوریا جوادی

نشانی: خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان شهدای
ژاندارمری شرقی شماره ۷۲

پایگاه اطلاع رسانی:

www.roytab.ir



بازتاب رویدادهای معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی
سازمان جهاد دانشگاهی عواید نصرالدین طوسی



معاونت فرهنگی

وَصَبِرْ فِي فَيْعِي كَمَا بَدَأَ الْإِقْلَامَ



صبری نیکو

نه شکایت به خلق و نه شکوه ای بر خالق

در هر صورت صبر جمیل کنم..... سوره یوسف آیه ۱۸
 طعم طعنه ها و وقایع تلخ در بستر زمان
 نجاری متوهمی و برای بیابان کشتی میسازی
 به پیری رسیدی و میراث داری نداری
 ساحری و در خیالت پیامبری
 کاهنی و مکاری ات را معجزه میخوانی
 مجنونی و با عقلی سبک هذیان می گویی
 شاعری و مجنونانه اباطیل می سرایی
 مال، فرزند و سلامتی ات را ربودیم
 پیراهن غرق به خون فرزندت را آوردیم
 اما ثمره همه اینها و هزاران مورد دیگر بر
 جریده عالم ثبت و ضبط است که در پس
 صبری نیکو، ثمره ای نیکوتر به دنبال دارد
 صبری که در آن شکایتی با خلق نباشد نه تنها
 با خلق بلکه یک پله بالاتر شکوه ای بر خالق
 نیز نباشد

پویا پایداری



تفسیر

ناخوش او خوش بود در جان من
 جان فدای یاد دل رنجان من (مولانا)

صبر به مثابه مقاومت

انسان ها در زیان کاری هستند مگر آن که صبر بورزند. اما صبر چیست که انسان را از زیان های زیستن مصون می دارد؟
 صبر نوعی مقاومت است، مقاومت در برابر هر آن چیزی که "شر" نامیده می شود تا تمهیدی باشد بر آن چیزی که "خیر" نام می گیرد. "استاینک" در تعریف صبر با تاکید بر مفهوم دینی آن می گوید: صبر عبارت است از تحمل سختی، درد یا تحریکات همراه با خلق آرام، به عبارت دیگر صبر یعنی تحمل کردن بدون شکایت؛ و شاید همین تلقی از صبر در ادبیات قرآنی به "صبر جمیل" تعبیر شده است. پس صبر وادار نمودن درون برای تحقیق اقتضانات عقل و دین است و هر آن چه آن دو ما را از آن باز می دارد. صبر گرایش به متین بودن، پایدار بودن، خویشتن دار بودن و توانایی مواجهه به دشواری هاست. و همین معنا از صبر است که گشایش ها را موجب می شود تا فرج بعد از شدت رخ می دهد

صبر کردن جان تسبیحات تست

صبر کن کانت تسبیح دست

بیچ تسبیح ندارد آن درج

صبر کن "الصبر مفتاح الفرج"

مولانا

صبر کن ای دل که صبر سیرت اهل صفاست

چاره عشق احتمال شرط محبت وفاست

سعدی



آیت الله محسن غرویان

توصیه اخلاقی

صبر مخدر نیست

صبر فراهم کردن شرایطی برای خود است تا تهدید را تبدیل به فرصت کنیم
 در مورد **صبر** باید به این نکته توجه داشته باشیم، **صبر** ما نباید منفعلانه باشد؛ به این معنا که در هر مشکلی که مواجه می شویم، به این معنا **صبر** کنیم که هیچ حرکتی، هیچ تحرکی نداشته باشیم این معنای غلطی از **صبر** است.
 صبر به معنای واقعی این است که جزع و فزع نکنیم اما تفکر بکنیم، اندیشه بکنیم که راه عبور از آن مشکل را پیدا کنیم. با تعقل، با مطالعه و در واقع **صبر** کردن به معنای این است که ما فرصتی برای خودمون فراهم کنیم تهدید را تبدیل به فرصت کنیم و مسیر عبور از مشکلات را در زندگی پیدا کنیم و از آن مسیر حرکت کنیم و جلو برویم و بنابراین این **صبر** مخدر نیست. تاکید بر **صبر** و پایداری به عنوان یک مفهوم مخدر در اخلاق اسلامی توصیه نمی شود نکته بعدی این است که صبر در برابر گناهان داریم **صبر** در مصیبتها داریم و **صبر** در برابر مصیبت داریم اینها در روایت ما مورد توجه قرار گرفته است



حمید امیددی

برداشت فلسفی

ظرفیتی شگرف

آن کس که در دنیا زهد می ورزد، مصیبت ها را ساده پندارد...
 حکمت ۳۱:

ایمان بر چهار پایه استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد. صبر نیز استوار بر چهار پایه است: شوق، هراس، زهد و انتظار.

آن کس که شوق بهشت دارد، شهوت هایش کاستی گیرد و آن کس که از آتش جهنم هراس دارد، از حرام دوری می گزیند و آن کس که در دنیا زهد می ورزد، مصیبت ها را ساده پندارد و آن کس که مرگ را انتظار می کشد در نیکی ها شتاب می کند. امام علی علیه السلام وجود صبر را برای داشتن قلبی نورانی الزامی می دانند و می فرمایند: علیکم بالصبر شما باید صبر داشته باشید، صبر برای ایمان مانند سر برای بدن است یا در جای دیگر میفرمایند الصبر الظفر صبر مساوی با پیروزی است. واصل به خیر، صبر و ظرفیتی شگرف دارد؛ در فرهنگ اخلاقی، صبر عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می کنند و باز داشتن از آنچه عقل و شرع نهی میکنند، و به قول مولانا:

صد هزاران کیمیا حق آفرید

کیمیایی همچو صبر آدم ندید

در سایه سار صبر و آگاهی است که انسان می تواند در عرصه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، رشد و تکامل نموده و به اهداف خویش دسترسی پیدا نماید.



رمضان ۱۴۴۲ قمری
 دوشنبه ۶ اردیبهشت

فرزانه بزرگیان



مروری بر

نهج البلاغه

اللَّهُمَّ طَهِّرْ فِيهِ مِنَ الدَّنَسِ وَالْأَقْدَارِ، وَصَبِّرْ فِيهِ عَلَى كَاتِبَاتِ الْأَقْدَارِ، وَوَفِّقْ فِيهِ لِلتَّقَى وَصُحْبَةِ الْأَبْرَارِ، بِعَوْنِكَ يَا قَرَّةَ عَيْنِ الْمَسَاكِينِ.

صبر یعنی زندگی یعنی صبر

صبور باشی تا تیکه یخ توی شربت آب بشه یا بهار نارنج های توی حیاط تبدیل به مربای بهار نارنج مادرت بشن خیلی ها وقتی میخوان در مورد صبر صحبت کنند کلمه صبر را حرف به حرف به یک چیزی ربط میدهند مثلاً ص مثل بهمان ب مثل ... نمیدونم ولی واقعیت این است کسانی که مفهوم صبر رو درک کردن میدونند که صبر شاید خیلی کم اون حس سانتیمانثال باشه که ما این ور اون ور می بینیم مثلاً صبور باشی تا تیکه یخ توی شربت آب بشه یا بهار نارنج های توی حیاط تبدیل به مربای بهار نارنج مادرت بشن شاید بیشتر حس اون زنی که صبر میکنه تا بعد از نه ماه انتظار صورت فرزندش ببینه یا حس آن کسی که از پشت میله ها روزها رو میشماره تا درهای سنگین باز بشن تا پاش رو بیرون بزاره شاید صبر اون گریه نکرده است وقتی غم از دست دادن یکی روی شانه ات سنگینی می کنه و به خاطر بچه ها نباید خودت رو ببازی شاید صبر قطره قطره آن سرمی که میره توی رگها و شنا میکنه و درد توی وجودت می پیچه و فکر میکنی کی تموم میشه این روزهایی که با بوی ملحفه ضد عفونی شده رنگ گرفته؛ خدا نکنه میدونید صبر توی شعر خیلی از شاعرها آمده اما شاید حق مطلب رو ترجیح بند سعدی ادا کرده که بعد از هر ترجیح میگه، بنشینم و صبر پیش گیرم، دنبال کار خویش گیرم صبر قابل لمس نیست قابل دیدن نیست ولی همان مفهومی که هر از گاهی سراغمون میاد تا اعیار زندگی مون رو محک بزنه تا قطره قطره بهمون تجربه اضافه کنه و دریاترمون کنه اینطوری که کمتر دیگه با پرتاپ شدن یک خورده سنگ از هم می پاشیم، اینطوری دیگه خیلی خیلی صبور تریم؛

صبر یعنی زندگی یعنی صبر



گفتگو

ساجده
جبارپور

روز باقیست به پایان مهمانی



سفر
آئینی

زینب یوسفی



میزان

فرمان انسان

فرزین پور محبی

زیارتگاه هلال بن علی (ع)

محلّی برای مراسم و آیین های ماه مبارک رمضان اهالی کاشان

نام این امامزاده عظیم الشان محمد و لقبشان هلال و مشهور به هلال بن علی (ع) می باشد که تداعی کننده هلال ماه است و در تاریخ آمده است که ایشان در مدینه منوره در شب اول ماه مبارک رمضان سال ۱۴ هـ ق بدنیا آمده و در شب جمعه دهه آخر رمضان سال ۶۴ دیده از جهان فرو بسته اند. بقعه امامزاده هلال بن علی یکی از جاذبه های گردشگری مذهبی در شهرستان آران و بیدگل است که مربوط به دوره صفوی است و در تاریخ ۲۷ مرداد ۱۳۷۷ با شماره ثبت ۲۰۹۵ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. بنای امامزاده در زمان وفات محمد هلال بن علی به صورت سردابی بوده که روی آن اتاق مختصری ساخته شده و صندوقی به جای قبر وسط آن قرار داده بودند که در طول تاریخ و دوران سلجوقیان و بعد از صفویان اقداماتی در زمینه ساخت و حفظ این بنا انجام شد؛ اما بعد از انقلاب اسلامی این بنا به اوج شکوفایی خود رسیده است.

این آرامگاه متبرکه که به دلیل معماری و تزئیناتی همچون به کارگیری کاشی های معرق، کاربندی های بسیار زیبا، گنبد بزرگ، گلدسته های متعدد با تزئینات هنرمندانه کاشی کاری شامل سردر، هشتی ورودی رفیع و صحن های متعدد و زیبا یکی از مجموعه های زیارتی عظیم و با قدمت است که چشم هر زائری را به خود خیره می کند. اکنون این بنا شامل گنبدی زیبا و کاشیکاری شده به ارتفاع ۲۴ متر و چهار گلدسته می باشد و مساحت صحن امامزاده ۳۰۰۰ مترمربع و مساحت زیربنای بقعه به علاوه رواق های آن به ۳۰۰۰ متر مربع می رسد. مردم منطقه آران و بیدگل با حضور در امامزاده هلال بن علی (ع) و دیگر بقاع متبرکه در شهرستان آران و بیدگل پس از تلاوت قرآن، قرائت دعای شریف جوشن کبیر، مناجات خوانی و خواندن نماز مستحبی، اعمال ویژه شب های قدر را انجام می دهند...

دندان روی جگر گذاشتن
بنی آدم موجود عجیبی است درحالیکه تنظیمات کارخانه اش روی تنبلی «ست» شده در عین حال؛ بی آرام و قرار و به قول خودمان کله خر هم شده!

میزان فرمان انسان با دعای روز سیزدهم ماه مبارک رمضان انسان از جمله مخلوقاتی است که هم دندان دارد هم جگر اما با این وجود؛ هنر «دندان روی جگر گذاشتن» را کمتر دارد! البته این قضیه تعجبی هم ندارد چون این بنده همیشه در معرض گزند، خیلی چیزها دارد که عرضه استفاده از آنها را ندارد؛ مثل دل، قلو، مغز و اعضا و جوارحی روی نظم که همه در یک پیکرند اما به شکل خزا خلاصه بنی آدم موجود عجیبی است درحالیکه تنظیمات کارخانه اش روی تنبلی «ست» شده در عین حال؛ بی آرام و قرار و به قول خودمان کله خر هم شده! صفر تا صد آدمهای عجول آنقدر زیاد است که گفته اند فقط راست کار شیطانند و از آنطرف هم «صبوران» دارای آپشن همراهی با خدای سبحانند؟ حالا چرا اینهمه تاکید؛ اصرار؛ تشویق؛ جایزه نفیس و هزاران وعده و قول، صدقه سری «تاب و تحمل»؟ اگر توصیه به صبر، آنهم در حد ۱۰۴ آیه نوشته شده با زر؛ سیبل و نشانه نیست پس دقیقاً مشکل خدا با کیست؟ با این اوصاف بدانید و آگاه باشید؛ گر صبر کنید زغوره «می» معرفت و عرفان، عمل خواهید آورد اما گویا هنوز در احسن المخلوقین روی زمین، چیزی عمل نیامده برای پز و افاده آن خالق مبین! قضیه ظاهراً مثل آب خوردن است اگر پروتکل زبان به دندان گرفتن از لام تا کام، رعایت گردد؛ اگر سندرم دست و پای بیقرار و از کوره در رفتن و از کف ندادن عنان اختیار کنترل شود، خداوند چنین آبخوری را حتی اگر آشخور هم باشد در جایگاه سلبریتی های پلوخورش قرار می دهد! حال خودتان بگوئید با وجود همه توصیه ها به خوردن روزی حداقل ۸ لیوان آب، چه کسی برای رضای خدا هم که شده؛ دو لیوان آب خنک می خورد؟! این را هم بگوئیم که صبور، سر به سر با یک آدم سست و ماست و کور یا یک مرد عملی بیحال نیست بلکه دقیقاً مرد عمل پای کار و آماده برای مبارزه با اژدهاست. کمر همتش معمولاً سفت و آستین هایش همیشه بالاست.

بیخودی نیست که ویزای بهشت را بر پیشانی کسی نوشته اند که در برابر باد، بید نباشد و در کنکور و آزمونها صاحب رتبه تک رقمی باشد. بیراه نبوده برای بردباری و اشاره به یک الگوی خوب؛ رسولی ویژه آمده؛ بنام ایوب! نتیجه آنکه اگر کسی روی یک ته دیگ ماکارونی ۵ دقیقه تمرکز کرد اما در عین حال به یک بز فکر کرد و دست آخر هم، هوا و هوس خوردنش را از سرش باز کرد باید در عصر جشن های گرفتن از پوشک و درآوردن دندان، برایش با چند بادکنک جشن دوری از ناخنک گرفت به پاس تولد سالکی صبور و بز نیم به تخته با اینهمه شعور!

خدایا، مرا در این ماه از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها پاک کن و بر شدنی‌های مورد تقدیرت شکیبایم گردان و به پرهیزگاری و هم‌نشینی با نیکان توفیقم ده، به یاری‌ات ای نور چشم درماندگان.

گردآوری:
ارشیا عبدی



از دیدگاه شما

- صبر کلید موفقیت است. عجله در انجام کاری تامل را از شما میگیرد. در بازارهای مالی باید صبر کرد و زود وارد معامله نشد. در انتخاب شریک زندگی باید صبر کرد. در رسیدن به موفقیت باید صبر کرد
- صبر، وقتی خودم روی برخی کارها حوصله به خرج ندادم میبینم اثری نداشته اما جاهایی که بیشتر صبر کردم و حوصله گذاشتم خروجی خیلی خوبی داشته
- صبر و پایداری و مقاومت زمینه ساز موفقیت و کامیابی است
- صبر یعنی مشکلات داشته باشی
- سختی داشته باشی اما امید داشته باشی به کسی که همیشه حواسش بهت و مقاومت کنی
- صبر یعنی تحمل و گذشتن از همه ی سختی‌ها و پستی و بلندی‌های زندگی



بهاره راد

معرفی کتاب



قدرت صبر

اگر در دنیا فقط لذت بود، هرگز نمی‌توانستیم شجاعت و صبر را یاد بگیریم.

اگر تنها یک فضیلت باشد که بتواند کیفیت زندگی شما را تغییر دهد، آن صبر است. در این دنیای پر از فشار و شتاب زده، برای مان عادی شده که انتظار داشته باشیم همه چیز به سرعت اتفاق بیفتد و اگر نیفتد، فوراً از کوره در برویم. نتیجه آن که دیگر چیزهای واقعا مهم زندگی را نمی‌بینیم و عصبانی، شتاب زده، پرتنش و ناکام می‌مانیم. کتاب قدرت صبر (The power of patience)، نشان دهنده‌ی قدرت سازنده‌ی صبر در زندگی انسان است. در این کتاب، ام جی رایان (Mary Jane Ryan)، نگرش‌های درونی و تجربیاتی را در اختیارمان می‌گذارد که به کمک آن‌ها بتوانیم این فضیلت فراموش شده را بار دیگر در وجودمان پیورانیم. کافی نیست صبورت‌تر باشیم، بلکه باید بدانیم که کامیابی در عشق، شادی در لحظه‌ها و رضایت از خود، به اوج خواهد رسید اگر:

- از فاصله به اوضاع نگاه کنیم.

- ارزش را در این بدانیم که روی هر چیز آن قدر کار کنیم تا به تعالی برسد.

- بدانیم که همواره بیش از یک راه درست وجود دارد.

این کتاب اثری از نشر میم با ترجمه زهره زاهدی می‌باشد

حسین رهاد



داستان کوتاه

چوپان

«تصویر آدمی که در تمام طول سال کنار پنجره‌ای نشسته و به نقطه‌ای زل می‌زند.»

حسن کله از اتاق «بال‌خونه» بیرون را نگاه می‌کرد و چشمش به اشرف افتاد که با چوپان صحبت می‌کند. بعد از چند دقیقه‌ای اشرف از زیر چادرش چیزی به دست چوپان داد و به خانه برگشت. خانه‌ی عباس علاوه بر طبقه‌ی پایین دو اتاق هم بر روی پشت‌بام داشت که کلا به فضای بالای خانه، بال‌خونه می‌گفتند. بال‌خونه دژ تنهایی حسن کله بود. خانه‌ی عباس بالای روستا و محل رفت و آمد مردم بود. برای همین هر که از کنار خانه‌شان رد می‌شد دستی برای حسن تکان می‌داد. اوایل این تصویر جالب و صمیمی بود ولی کم‌کم این تصویر روی پوچ خودش را نشان داد: تصویر آدمی که در تمام طول سال کنار پنجره‌ای نشسته و به نقطه‌ای زل می‌زند. بعد از آمدن اشرف داروهای بیش‌تری به داخل معده‌ی حسن کله سرازیر می‌شد و این آغاز شکل‌گیری حسن کله‌ی جدید بود. به مرور حسن، نه حال بیرون رفتن را داشت و نه هوش و حواسش مثل سابق کار می‌کرد. با این حال در همان وقت هم حسن، روزی یکی دو ساعت بیرون می‌رفت و زحمتی برای اشرف درست می‌کرد. تا این که دعاهای اشرف مستجاب شد و روز موعود رسید. حسن کله کنار جاده ایستاده بود و ماشین‌ها را تماشا می‌کرد. یکی از گله‌های گوسفند روستا از آن سمت جاده پیدا شد. چوپان سوار بر خر سفیدی پیش می‌آمد. دو سگ در سمت چپ و راستش و جلوی گله و دو سگ دیگر در پشت گله قرار داشتند. سگ‌ها همه هیکلی و مجهز به قلاده و سینه‌بندهای میخ‌دار بودند. چوپان از دور که حسن را دید لبخندی زد سگ سیاهش را با گفتن جمله‌ای به سمت حسن شوراند. تا حسن به خودش آمد سگ از کمرش چند گاز گرفت و روی زمین کشالش کرد. چوپان که به کنار حسن رسید با گفتن جمله‌ای سگ را آرام کرد و به راهش ادامه داد. از آن روز بود که اشرف به بهانه‌ی آسیبی که حسن دیده بود به ندرت می‌گذاشت حسن از بال‌خونه خارج شود.

